



جمهوری هم افزا

خوانشی از بینش رهبر سوم انقلاب اسلامی
درباره «دولت» براساس پیام‌های ارسالی به قوای سه‌گانه کشور

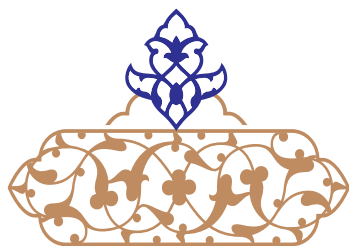
مركز
مطالعات
راهبردی
تسنیم

تسنیم
خبرگزاری
Tasnim
News Agency

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جمهوری هم افزا

خوانشی از بینش رهبر سوم انقلاب اسلامی درباره «دولت»
بر اساس پیام‌های ارسالی به قوای سه گانه کشور



مرکز مطالعات راهبردی خبرگزاری تسنیم

عنوان:

جمهوری هم‌افزا

خوانشی از بینش رهبر سوم انقلاب اسلامی درباره «دولت»
براساس پیام‌های ارسالی به قوای سه‌گانه کشور

تاریخ انتشار:

شهریور ۱۴۰۵

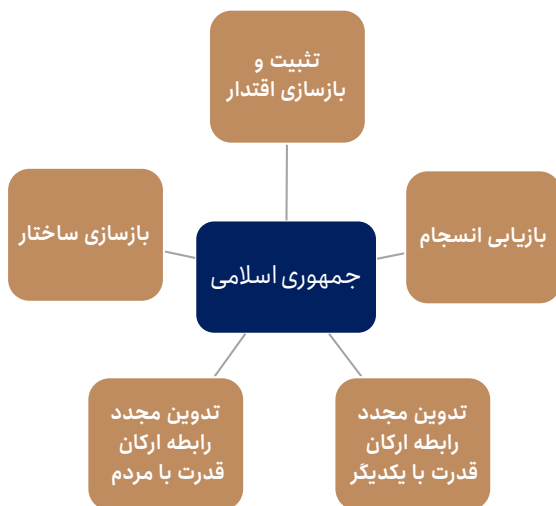


تحولات در رأس هرم حکومت‌ها، در بیشتر مواقع با بازتولید، بازتعریف یا حتی دگرگونی در نظریه دولت و فلسفه سیاسی حکومت مقتضی شرایط جدید همراه بوده است. تحول در دوران پس از امام خمینی (ره) با آمدن امام شهید خامنه‌ای (قدس) رخ داد و نشان داد جمهوری اسلامی دچار انسداد نیست، اما باید توجه داشت که این تحول در سطح تغییر در نظریه دولت و فلسفه سیاسی حاکم بر وضعیت نبود. تحولات مقتضی شرایط رخ داد و البته یک ویژگی مهم داشت و آنهم تداوم و تعالی راه رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی در شرایط و زمانه جدید. رهبری شهید در دوران زعامت خود مقتضی وضع جدید، نظریه دولت در اسلام را توسعه داد و خوانشی نو اما وفادارانه از دولت ارائه داد. این ماجرا پس از شهادت حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای و تکیه رهبر جدید بر مستند تدبیر و درایت جامعه در حال رخ دادن است. در پیام‌های نخستین رهبر جدید جمهوری اسلامی ایران نشانه‌های توأمان تحول و وفاداری در حال نمایان شدن است. تحول مقتضی شرایط جدید و وفاداری مبتنی بر اصول بنیادین انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام کبیر و امام شهید.

صدور سه پیام راهبردی و بنیادین از سوی رهبر جدید نظام اسلامی در باره مجلس، قوه قضاییه و دولت، همگی متضمن یک مانیفست حکمرانی، طرح‌واره نظری قدرت و ترسیم نقشه راه کلان اداره کشور در عصر جنگ و پساجنگ و دوره گذار از بحران‌های سخت و سهمگین ژئوپلیتیک است. تک نگاشت پیش‌رو تلاش دارد مبتنی بر این سه پیام خوانش اولیه‌ای از نظرگاه حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی باره «دولت» ارائه دهد.

سه پیام و یک تصویر واحد از حکومت

این سه پیام که به مناسبت‌های هفته دولت، آغاز سال جدید کاری مجلس شورای اسلامی و هفته قوه قضائیه از سوی رهبر انقلاب منتشر شده در بستری تاریخی و انباشته از رویدادهای سرنوشت‌ساز و تراژیک صادر شده‌اند؛ مقطعی متأثر از جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم، ترور و شهادت رهبر انقلاب اسلامی و جمعی از سرداران و امرای ارشد نظام، تهاجم همه‌جانبه محور غربی-صهیونیستی و تشدید بی‌سابقه محاصره‌های اقتصادی و تبلیغاتی. در چنین مختصات ژئوپلیتیک و تاریخی، دال مرکزی گفتار رهبری جدید، معطوف به تثبیت و بازسازی اقتدار، بازیابی انسجام، بازسازی ساختاری و تدوین مجدد رابطه ارکان قدرت با یکدیگر و با توده‌های مردم است.

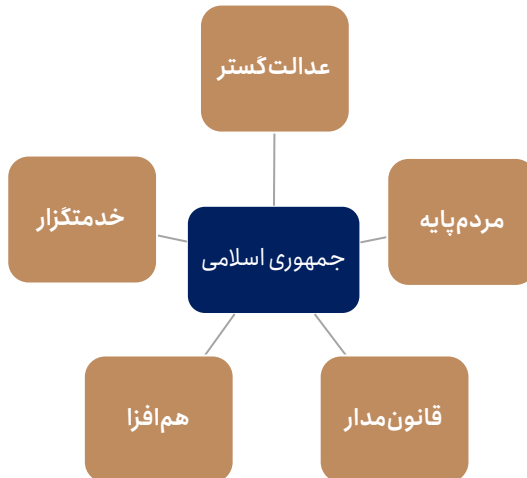


دال‌های اصلی گفتمان تحولی ولی فقیه سوم جمهوری اسلامی درباره دولت اسلامی

سه پیام حضرت آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای در ظاهر سه متن مناسبتی خطاب به سه نهاد متفاوت‌اند؛ اما اگر آنها را در کنار یکدیگر بخوانیم، خطوط اصلی یک طرح نسبتاً منسجم از حکومت آشکار می‌شود. در این طرح، دولت فقط به

معنای قوه مجریه نیست، بلکه به معنای گسترده‌تر نظم سیاسی و مجموعه سازوکارهایی است که باید اراده عمومی را به قانون، قانون را به اقدام و اقدام را به عدالت و پیشرفت تبدیل کنند. از این منظر، سه قوه سه جزیره مستقل یا سه مرکز رقیب قدرت نیستند؛ سه کارکرد متمایز درون یک منظومه‌اند که مقصد مشترکشان ساختن «ایران هرچه قوی‌تر» و رساندن عملکرد نظام به «تراز ملت» است.

مدعای مرکزی این یادداشت آن است که ایده حکومت در این سه پیام‌رانی توان «حکومت هم‌افزای مردم‌پایه، خدمتگزار، قانون‌مدار و عدالت‌گستر» نامید. قدرت در این الگو به امتیازی برای حاکمان و نه صرفاً توان اعمال اجبار است؛ قدرت، ظرفیت حل مسئله، تأمین کالا و خدمات عمومی، ایجاد ثبات و امید، حمایت از تولید و دانش، پاسداری از حقوق، مهار صاحبان نفوذ و سازمان‌دادن مشارکت مردم برای آینده‌سازی است. در برابر، جامعه نیز توده‌ای منفعل و دریافت‌کننده تصمیم‌های حکومت نیست؛ مردم منشأ اراده سیاسی، موضوع حق، شریک تولید قدرت و معیار ارزیابی عملکرد حکومت‌اند. بنابراین، حکومت مطلوب وقتی شکل می‌گیرد که قدرت عمومی به توانمندشدن جامعه بینجامد و توان جامعه نیز ظرفیت دولت را برای خدمت، عدالت و پیشرفت افزایش دهد.



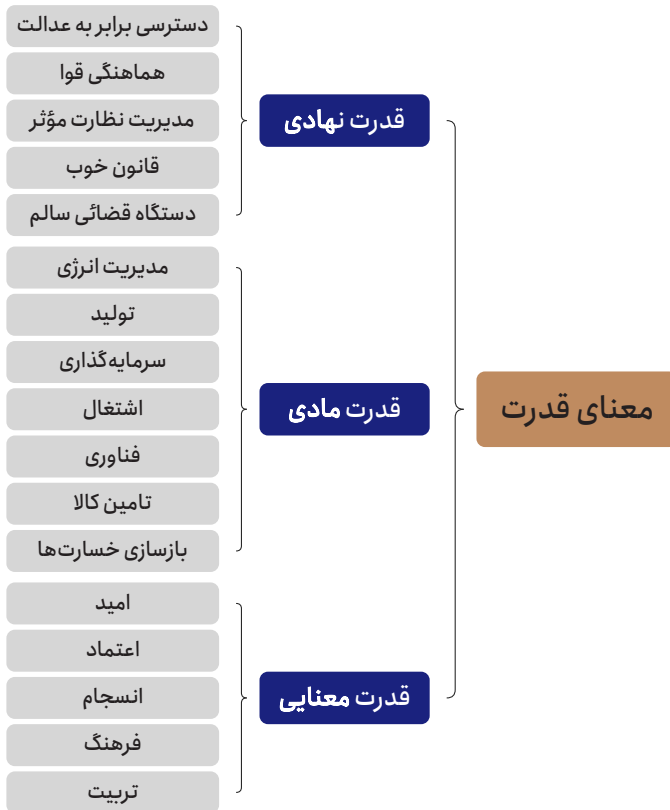
ایده مرکزی دولت: قدرت برای خدمت، احیای حق و آینده‌سازی

کلیدواژه آشکار پیام قوه مجریه «ایران هرچه قوی‌تر» است، اما معنای قدرت در این عبارت را باید از مجموع سه متن استخراج کرد. قدرت در پیام هفته دولت با تولید داخلی، مدیریت اقتصاد، فناوری، انسجام اجتماعی، فرهنگ و تربیت پیوند می‌خورد؛ در پیام مجلس، با قانون‌گذاری، نظارت، امیدآفرینی، ثبات و ترسیم نقشه راه و در پیام قوه قضائیه، با احقاق حقوق، اجرای عدالت، مقابله با فساد و جلوگیری از تعدی صاحبان قدرت.



نقشه راه قدرت‌افزایی نهاد دولت در آرای رهبر فرزانه انقلاب آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای

پس دولت قوی در این منظومه، دولتی نیست که فقط ابزار اجبار گسترده‌تری در اختیار داشته باشد. دولت قوی، دولتی است که بتواند تصمیم درست بگیرد، آن را اجرا کند، آثارش را در زندگی روزمره مردم نمایان سازد، خطا و فساد را اصلاح کند و در برابر فشار خارجی نیز استقلال تصمیم و امکان پیشرفت کشور را حفظ نماید.



معنای قدرت در پیام‌های مقام معظم رهبری به قوای سه‌گانه

این تلقی از قدرت، هم مادی است و هم نهادی و معنایی. بعد مادی آن در تولید، سرمایه‌گذاری، اشتغال، فناوری، تأمین کالا، مدیریت انرژی و

بازسازی خسارت‌ها دیده می‌شود. بعد نهادی آن در قانون خوب، نظارت مؤثر، دستگاه قضائی سالم، دسترسی برابر به عدالت و هماهنگی قوا تجلی می‌یابد. بعد معنایی آن نیز به امید، اعتماد، انسجام، فرهنگ، تربیت و روایت قدرت و قوت ایران مربوط است. رهبر جدید ضعف‌ها را اموری محتاج برنامه‌ریزی و اقدام برای رفع مشکل می‌داند و نقاط قوت را محتاج روایت. معنای دقیق‌ترین سخن آن است که حکومت هم باید واقعیت را تغییر دهد و هم ادراک عمومی از امکان تغییر را بسازد، زیرا جامعه‌ای که افق آینده را مسدود ببیند، توان برنامه‌ریزی، همکاری و تحمل هزینه‌های اصلاح را از دست می‌دهد.

قوه مجریه، موتور حل مسئله و تولید ظرفیت ملی

در تقسیم کار سه‌گانه این پیام‌ها، قوه مجریه موتور اجرایی حکومت و نزدیک‌ترین بخش قدرت به مسائل ملموس زندگی روزمره است. وظیفه آن فقط اداره دستگاه دیوانی یا اجرای مصوبات نیست، باید زنجیره به‌هم‌پیوسته چالش‌های اقتصادی و معیشتی را مدیریت کند. تورم، بیکاری، قیمت‌ها، بازار کالا و خدمات، رشد، سرمایه‌گذاری، تولید و واردات در پیام هفته دولت اجزای یک منظومه سیاستی‌اند. به همین دلیل «تکیه هرچه بیشتر به تولید داخلی» کلید اصلی معرفی می‌شود، اما این تأکید به خودبستگی مطلق فروکاسته نمی‌شود، هرچا تولید داخل کفایت نکند، واردات صحیح و حکیمانه ضروری دانسته شده است. منطق مسلط، ساختن ظرفیت درون‌زا همراه با تنظیم هوشمند رابطه با بیرون است.

با این حال، قوه مجریه در این پیام فقط دولت اقتصادی نیست. هر سیاست فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی باید دارای پیوست انسجام اجتماعی باشد و فرهنگ و تعلیم و تربیت نیز جایگاهی «فراراهبردی» پیدا می‌کند؛ یعنی سایر راهبردها باید با ملاحظه پیامدهای فرهنگی و تربیتی تنظیم شوند. توجه به معلمان، استادان، حوزویان،

پرستاران، پزشکان بخش عمومی و بانوان خانه‌دار نشان می‌دهد که تولید قدرت در نگاه رهبر جدید همچون رهبر شهید افزون بر کارخانه، بودجه یا تجهیزات نظامی، در کلاس درس، بیمارستان، خانواده و شبکه‌های اعتماد اجتماعی ساخته می‌شود. قوه مجریه باید این زیرساخت‌های انسانی را ببیند، از آنها حمایت کند و میان کارآمدی اقتصادی و بازتولید اخلاقی و فرهنگی جامعه پیوند برقرار سازد.

قوه مقننه و لزوم صورت‌بندی اراده عمومی و ریل‌گذاری آینده

پیام مجلس رهبر انقلاب، قوه مقننه را عصاره ملت، مظهر مردم‌سالاری دینی و رکن قانون و قانون‌گذاری معرفی می‌کند. این سه تعبیر سه وجه مأموریت مجلس را روشن می‌سازند. مجلس از یک سو باید تنوع و خواست جامعه را در ساختار رسمی قدرت نمایندگی کند و از سوی دیگر، اراده مردم را از سطح مطالبه و احساس به قواعد عمومی و الزام‌آور تبدیل نماید و در نهایت، از طریق نظارت مطمئن شود که دستگاه اجرا از مسیر تعیین شده منحرف نمی‌شود. بنابراین کارکرد اصلی مجلس فقط تولید انبوه قانون نیست، بلکه تشخیص مسئله اصلی، تعیین اولویت، ساختن مسیر باثبات و کنترل حرکت حکومت در آن مسیر است.

تعبیر ریل‌گذاری آینده اهمیت ویژه‌ای دارد. قانون در این نگاه نباید واکنشی، جزئی و اسیر مطالبات پراکنده باشد؛ باید امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را برای جامعه و دولت فراهم کند. از همین رومصوبات باید نسبتی مستقیم و مشهود با مسائل اصلی کشور و نیازهای مردم داشته باشند. این معیار، مجلس را از قانون‌گذاری نمایشی یا انباشتن قواعد کم‌اثر دور می‌کند. ارزش قانون به تعداد مواد و تبصره‌ها نیست، بلکه به میزان گره‌گشایی، ایجاد ثبات، کاهش عدم قطعیت و فراهم کردن افق روشن برای کنش اقتصادی و اجتماعی بستگی دارد.

شرط انجام این مأموریت، زیست مردمی همراه با مطالعه و مشورت

کارشناسی است. نماینده نه باید در حلقه بسته نخبگان اداری محصور شود و نه مطالبه لحظه‌ای حوزه انتخابیه را جایگزین منفعت ملی کند. متن از او می‌خواهد منافع ملی و مطالبات عمومی را بر نیازهای جناحی، گروهی و منطقه‌ای ترجیح دهد. این ترکیب، نمایندگی را میان دو قطب قرار می‌دهد: تماس گسترده با مردم برای فهم تجربه زیسته آنان، و داوری کارشناسی و اخلاقی برای تبدیل خواسته‌ها به سیاست عمومی. مجلس مطلوب، بلندگوی ساده فشارهای پراکنده نیست، نهادی است که تکرار مطالبات را می‌شنود، میان آنها اولویت‌گذاری می‌کند و صورت قانونی خیر عمومی را می‌سازد.

قوه قضائیه و مهار قدرت و قابل دسترس کردن عدالت

اگر قوه مجریه ظرفیت را تولید و قوه مقننه مسیر را تعیین می‌کند، قوه قضائیه تضمین می‌کند که حرکت حکومت و جامعه از مرز حق و قانون عبور نکند. پیام مربوط به این قوه، مأموریت آن را با صراحت در پاسداری از حقوق مردم، احیای حقوق عامه و آزادی‌های مشروع، مبارزه با مفاسد، اجرای عدالت، اقامه حدود الهی و نظارت بر اعمال قانون خلاصه می‌کند. این فهرست نشان می‌دهد که دستگاه قضائی تنها محل حل اختلافات خصوصی یا مجازات مجرمان نیست، نگهبان نظم حقوقی و آخرین پناه مردم در برابر تعدی اشخاص، نهادها و صاحبان قدرت است.

معیار موفقیت دستگاه قضائی نیز تجربه واقعی مردم است. تحول قضائی نباید در سند، شعار یا نقشه راه متوقف بماند، باید در سرعت رسیدگی، سلامت و اتقان رأی، سهولت دسترسی، کاهش تضییع حقوق و قاطعیت در برابر فساد دیده شود. تصویر مطلوب آن است که هر مظلومی دادگستری را مأمن خود بداند و کسی به اتکای ثروت، مقام، رابطه یا آشنایی جرئت تعرض به حقوق دیگران نداشته باشد. بسته شدن باب سفارش و بی‌مزیت شدن آشنا داشتن در دستگاه قضا، در واقع تعریف برابری در برابر قانون است. بدین ترتیب قوه قضائیه، درونی‌ترین آزمون صداقت دولت

دینی و مردم‌سالار است و رفتار آن پاسخ این پرسش مهم را تعیین می‌کند که آیا قدرت حاضر است خود را نیز به قاعده عدالت مقید کند؟ گسترش مفهوم حقوق عامه به امنیت اقتصادی، فرصت‌های عادلانه، مواهب طبیعی، محیط زیست سالم، آزادی‌های مشروع و حکمرانی کارآمد نیز دستگاه قضا را با کیفیت کلی حکومت مرتبط می‌کند. علاوه بر حق مصونیت فردی آحاد جامعه در برابر جرم، حق برخورداری از عدالت در همزیستی جمعی نیز حق مردم است. این تلقی می‌تواند قوه قضائیه را از نهادی صرفاً واکنشی به نهادی اصلاح‌گر تبدیل کند؛ نهادی که روندهای معیوب را شناسایی می‌کند، سایر بخش‌ها را به حرکت وامی‌دارد و البته هم‌زمان اصلاح درونی خود را ادامه می‌دهد. کارکرد اصلی این قوه، بنابراین قابل اتکا کردن عدالت و مهار هر نوع قدرت بی‌پاسخ است.

نسبت قوا با هم در نظرگاه رهبر انقلاب: استقلال در وظیفه، هم‌افزایی در مقصد

در این طرح، تفکیک قوا به معنای جدایی سیاسی و بی‌ارتباطی نهادی نیست. پیام مجلس به‌صراحت از حکمرانی هم‌افزا با دولت و سایر دستگاه‌ها در عین استقلال قوه مقننه سخن می‌گوید. این عبارت را می‌توان فرمول عمومی نسبت قوا دانست: استقلال برای جلوگیری از ادغام و تمرکز قدرت و هم‌افزایی برای جلوگیری از تعارض فلج‌کننده و اتلاف ظرفیت. هر قوه باید وظیفه خاص خود را انجام دهد، اما هیچ‌کدام نمی‌توانند نسبت به نتیجه نهایی حکومت بی‌تفاوت باشد.

بر این اساس، مجلس ریل و نقشه راه را می‌سازد، قوه مجریه منابع و سازمان را بر آن ریل به حرکت درمی‌آورد و قوه قضائیه از سلامت مسیر، رعایت قانون و حقوق مسافران پاسداری می‌کند. نظارت مجلس، قوه مجریه را پاسخ‌گو می‌سازد، نظارت قضائی بر اعمال قانون، همه صاحبان اختیار را محدود می‌کند و تجربه اجرایی دولت نیز باید داده و مسئله

واقعی را برای اصلاح قوانین در اختیار مجلس قرار دهد. استقلال اگر به خودبستگی سازمانی تبدیل شود، تصمیم‌ها پراکنده و متناقض می‌شوند و همچنین هماهنگی نیز اگر به تبعیت کامل یک قوه از قوه دیگر بینجامد، امکان نظارت و اصلاح را از بین می‌برد. نقطه تعادل، هماهنگی قاعده‌مند میان نهادهای متمایز است.



چیزی هم‌افزایی قوا در آرای مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله مجتبی‌خامنه‌ای

اشتراک موضوعاتی چون اقتصاد، فساد، انسجام و امید در هر سه پیام به معنای یکسانی وظایف نیست. مجلس درباره آنها قاعده می‌گذارد و اولویت تعیین می‌کند؛ دولت برنامه اجرا می‌کند و خدمات می‌رساند؛ قوه قضائیه حقوق را تضمین و تخلف را پیگیری می‌کند. اگر این مرز کارکردی رعایت نشود، هم مسئولیت‌ها مبهم می‌شود و هم هر نهاد می‌تواند ناکامی را به دیگری نسبت دهد. پس هم‌افزایی مطلوب نیازمند تقسیم کار روشن، گردش اطلاعات، پاسخ‌گویی متقابل و معیارهای قابل سنجش است. وحدت مقصد نباید تفاوت مسئولیت را محو کند.

کارکردهای اصلی دولت، از تامین امنیت تا ساختن امکان زندگی جمعی

از کنار هم گذاشتن سه پیام مقام معظم رهبری می‌توان دست‌کم هفت کارکرد اساسی برای دولت به معنای عام استخراج کرد:

« نخست، حفظ استقلال، امنیت و قدرت ملی در برابر تجاوز و فشار خارجی است.

« دوم، عدالت گسترى و تأمین خدمات و کالاهای عمومى و مدیریت اقتصاد برای ثبات، تولید، اشتغال و رفاه است.

« سوم، ایجاد نظم قانونى و تضمین حقوق فردى و عمومى است.

« چهارم، ساختن زیرساخت دانشى و فناورانه و به کارگیرى ظرفیت نخبگان برای جهش در تولید قدرت است.

« پنجم، مراقبت از فرهنگ، تربیت و نهادهای مولد سرمایه انسانی است.

« ششم، حفظ انسجام اجتماعى و جلوگیری از تبدیل تفاوت‌ها به تنازع و تجزیه است.

« هفتم، تولید اعتماد، امید و افق آینده از طریق عملکرد واقعی و روایت مسئولانه آن عملکرد است.

این کارکردها نشان می‌دهند که دولت در آرای رهبر فرزانه انقلاب اسلامى نه دولت حداقلی است که وظیفه‌اش به امنیت و حفاظت از قراردادهای محدود شود و نه دولت حداکثرى‌ای که مترصد تضعیف جامعه است. نتیجه سخن رهبرى شکل دادن جامعه قوی و دولت قوی است. در این باره رهبر انقلاب تولید قدرت را بدون کارآفرین، متخصص، فناور و مردم ممکن نمی‌داند. در فرهنگ مسئولیت دارد، اما معلم، پزشک، پرستار، دانشگاه، حوزه و خانواده را منبع اصلی اشاعه فرهنگ می‌شمارد. در سیاست نمایندگی و قانون‌رأ سازمان می‌دهد، اما اراده مردم را جایگزین‌پذیر نمی‌داند. در اقتصاد هم دولت راهبر است اما در عین حال مردم بازیگر اصلی اقتصاد هستند. بنابراین با دولتی فعال و جهت‌دهنده روبه‌رو هستیم که وظیفه دارد ظرفیت نهادهای اجتماعى را آزاد کند تا دولت قوی و جامعه قوی همزمان با هم شکل بگیرد.

نسبت قدرت با مردم: خدمت، احقاق حق و پاسخ‌گویی

مهم‌ترین گزاره درباره نسبت قدرت با مردم آن است که شأن والای ملت باید با شأن حکومت هم سنگ و یا حتی بالاتر از آن باشد. در هر سه پیام، ملت در

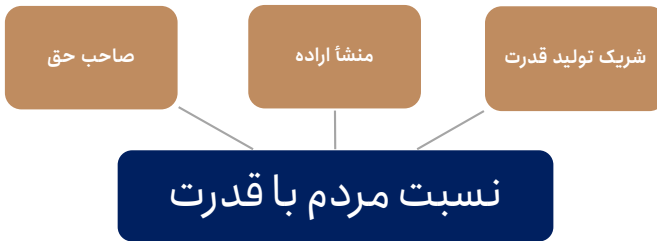
جایگاهی بالاتر از عملکرد موجود دستگاه‌ها قرار می‌گیرد و قوا موظف‌اند خود را به تراز آن برسانند. این زبان، نسبت سنتی رعیت و حاکم را معکوس می‌کند. در این نگاه مردم برای دستگاه‌ها نیستند بلکه دستگاه‌ها برای تأمین حق، خدمت و امکان پیشرفت مردم‌اند. از این منظر قدرت ملی با قدرت ملت معنا می‌یابد. در پیام‌های رهبر انقلاب از ایمان، امید، حضور، انسجام و مقاومت مردم سخن به میان می‌آید، این مفاهیم قدرت سیاسی را بر بستری از ظرفیت اجتماعی قرار می‌دهد.

در این پیام‌ها قدرت در برابر مردم با سه قید محدود می‌شود. قید نخست، قانون است، هیچ صاحب قدرتی نباید بیرون از قاعده و نظارت باشد. قید دوم، عدالت و حقوق است. امنیت اقتصادی، فرصت عادلانه، محیط زیست سالم، آزادی مشروع و حکمرانی کارآمد به عنوان حق مردم در برخورداری از عدالت شناخته می‌شوند. قید سوم، نتیجه قابل مشاهده است. دستگاه نمی‌تواند صرفاً به نیت خوب یا سند و برنامه استناد کند، بلکه مردم باید اثر خدمت و تحول را در زندگی خود ببینند. اعتماد در این چارچوب مطالبه‌ای یک‌طرفه از جامعه نیست، ثمره عملکرد عادلانه و کارآمد حکومت است.

در عین حال، این پیام‌ها به قدرت امکان هدایت راهبردی می‌دهند. دولت باید سرمایه‌گذاری را به سمت مفید سوق دهد، واردات را مدیریت کند، از انسجام پاسداری نماید و فرهنگ و تربیت را در مرکز راهبردها قرار دهد. این هدایت زمانی با مردم‌سالاری سازگار می‌ماند که از مسیر قانون، نمایندگی، حقوق و پاسخ‌گویی عبور کند. هرچه دامنه مداخله دولت بیشتر باشد، نیاز به نظارت مجلس، استقلال قضا، دسترسی مردم به اطلاعات و امکان نقد مسئولان نیز بیشتر می‌شود. بنابراین قدرت خدمتگزار، قدرت بی‌مهار نیست، اقتداری است که به سبب مقید بودن به حق و پاسخ‌گویی، قابلیت اقدام مؤثر پیدا می‌کند.

نسبت مردم با قدرت: صاحبان حق و شریکان حکمرانی

مردم در این سه پیام سه موقعیت هم‌زمان دارند که شامل منشأ اراده، صاحبان حق و شریکان تولید قدرت می‌شود. مجلس به عنوان مظهر اعمال اراده مردم معرفی می‌شود؛ قوه قضائیه مأمور صیانت از حقوق آنان است؛ و قوه مجریه برای حل مسائل در مواردی از «آحاد مردم» و در مواردی از متخصصان و فناوران یاری می‌طلبد. این ترکیب، شهروند را از رأی‌دهنده‌ای که فقط در دوره‌های انتخاباتی ظاهر می‌شود فراتر می‌برد. مردم باید در شناسایی مسئله، تولید، نوآوری، مراقبت از انسجام، فرهنگ‌سازی و نظارت اجتماعی حضور داشته باشند.



جایگاه مردم در ساخت سیاسی جمهوری اسلامی

مشارکت در این الگو هم مطالبه‌گری است و هم مسئولیت عمومی هست. رهبر معظم انقلاب در پیام به مناسبت سالگرد تأسیس مجلس شورای اسلامی از ملت و نخبگان می‌خواهند اختلافات را به تنازع و تفرقه تبدیل نکنند و در پیام به مناسبت هفته دولت بر همراهی مردم در شرایط بحران و پیشرفت تأکید می‌کنند. معنای سازنده این دعوت آن است که جامعه قوی فقط مجموعه‌ای از حقوق فردی نیست؛ توان همکاری، تحمل تفاوت، سازمان‌یابی و اقدام جمعی نیز بخشی از قدرت جامعه است.

انسجام اجتماعی و مسئله تکثر

انسجام اجتماعی شاید پرتکرارترین حلقه اتصال سه پیام باشد. دولت موظف است برای هر سیاست کلان پیوست انسجام اجتماعی در نظر بگیرد و مجلس باید از برجسته‌سازی تفاوت‌های اجتماعی و اختلافات پوچ سیاسی بپرهیزد و همه نیروها نباید اختلافات حتی موجه را به تنازع و تفرقه تبدیل کنند. پشت این تأکید، برداشتی امنیتی و توسعه‌ای به طور هم‌زمان وجود دارد و آن اینکه از یک سو جامعه متفرق در برابر فشار خارجی آسیب‌پذیر است و از دیگر سو جامعه غیر منسجم در داخل نیز توان توافق، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی بلندمدت را از دست می‌دهد. انسجام، بخشی از قدرت ملی و شرط کارآمدی دولت است.

با این‌همه، انسجام را نباید با یکنواختی و حذف اختلاف یکی گرفت. خود وجود مجلس، نظارت، آزادی‌های مشروع و حقوق عمومی نشان می‌دهد که تفاوت دیدگاه و نقد، عناصر طبیعی حکومت‌اند. مسئله پیام‌ها به نظر، نگرانی از تبدیل تفاوت به دشمنی و گسست است، نه اصل تفاوت. اگر عبارت قاطع «هر آنچه به ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است» در پیام رهبری را مورد توجه قرار دهیم و پر واضح است که نقد مسئولانه یا نمایندگی مطالبات واقعی را نباید به اشتباه تفرقه نامید. چنین برداشتی سرانجام همان جامعه‌ای را ضعیف می‌کند که قرار است پایه قدرت ملی باشد.

پس تفسیر سازگار با کلیت سه پیام آن است که انسجام از راه عدالت، امکان شنیده‌شدن، نمایندگی منصفانه، رفع تبعیض و وجود افق مشترک ساخته می‌شود. البته هنگامه جنگ همه طرف‌های حاضر در جامعه درباره کیفیت مواجهه و نقد هم باید محافظه کارتر عمل کنند، نباید با نقد بی ملاحظه شکافها را فعال کرد که در جنگ بسیار برای کشور هزینه زا خواهد بود. مجلس باید تعارض‌های اجتماعی را به گفت‌وگو و قانون تبدیل کند، دولت باید علل مادی شکاف‌ها را کاهش دهد و قوه قضائیه

باید حقوق گروه‌ها و آزادی‌های مشروع را تضمین نماید. جامعه قوی جامعه بی‌اختلاف نیست؛ جامعه‌ای است که سازوکارهای مدنی و قانونی برای مدیریت اختلاف دارد. و به این درک رسیده است که هنگامه جنگ جای تسویه حساب‌های سیاست داخلی نیست.

روایت قدرت و ضرورت نقد صادقانه

یکی از متمایزترین نکات پیام هفته دولت، تفکیک میان ضعف و قوت در عرصه روایت است. در نظرگاه رهبر انقلاب ضعف محتاج اقدام اصلاحی است و قوت محتاج بیان و برجسته‌سازی. این سخن براهمیت جنگ ادراکی، روحیه عمومی و نقش امید در قدرت ملی انگشت می‌گذارد. حکومت نباید اجازه دهد تصویر کشور فقط به دست دشمن یا از خلال انباشت ناکامی‌ها ساخته شود. روایت دستاورد، وقتی مستند و قابل لمس باشد، اعتماد به امکان پیشرفت را افزایش می‌دهد و ظرفیت کنش جمعی را فعال می‌کند. اما دولت قوی به اطلاعات ناخوشایند نیز نیاز دارد. اگر نگرانی از بهره‌برداری دشمن به خاموش‌شدن گزارش ضعف، نقد کارشناسی یا هشدار اجتماعی منجر شود، حکومت توان یادگیری خود را از دست می‌دهد. راه حل این تعارض، تفکیک میان سیاه‌نمایی بی‌مبنا و نقد مسئولانه و مستند از یک سو و تفکیک کار کارشناسی در بدنه دولت با کار رسانه‌ای در عرصه عمومی است. لزومی ندارد همه ابعاد کار کارشناسی و گزارش‌ها در عرصه عمومی به شکل بی‌پیرایه و گاهی به شکل اگرچره بیان شود. همچنین باید توجه داشت که مجلس با نظارت، قوه قضائیه با حمایت از حقوق و دولت با پذیرش ارزیابی می‌توانند کانال‌های امنی بسازند که ضعف‌ها ابتدا به گوش دلسوزان و تصمیم‌گیران برسد، بدون آنکه به ابزار یأس‌آفرینی تبدیل شود.

درباره نسبت دین و دولت

دین در این سه پیام هم منبع غایت است، هم منبع اخلاق قدرت و هم افق معنایی کنش سیاسی. پیام قوه قضائیه رهبرانقلاب، نهضت حسینی را قیام برای اقامه حق، اصلاح امت و مقابله با ظلم معرفی می کند و دستگاه عدالت را ادامه همین جهت می بیند. پیام به دولت، خدمت را نعمت و مسئولیت می داند و روایت قوت را به آموزه قرآنی پیوند می زند. پیام درباره مجلس نیز مردم سالاری را با صفت «دینی» توصیف و تقوا را ضامن تشخیص اولویت و رعایت مسئولیت نمایندگی می کند. بنابراین دولت دینی در این تصویر، دولتی است که مقصد آن عدالت، حق، اصلاح، کرامت مردم، استقلال و خیر عمومی است که کارگزارانش قدرت را امانت و میدان خدمت می بینند.

در عین حال، دین جایگزین نهاد و تخصص نمی شود. اراده مردم باید از مجلس و قانون گذاری عبور کند. تصمیم نمایندگان باید مبتنی بر مطالعه و مشورت عمیق کارشناسی باشد. دولت باید از متخصصان، فناوران و نخبگان جوان بهره گیرد و قوه قضائیه باید سلامت و اتقان رأی را با اصلاح سازمانی و فناوری نو ارتقا دهد. این ترکیب را می توان چنین صورت بندی کرد که دین جهت نظام و معیار ارزیابی را تعیین می کند، جمهوریت سازوکار تولید اراده عمومی و پاسخ گویی را فراهم می آورد و عقل کارشناسی ابزار تشخیص و اجرای سیاست مناسب را می سازد.

در این الگو، تقوا نیز فضیلتی صرفاً شخصی نیست؛ پیامد نهادی دارد. ترجیح منافع ملی بر منفعت جناحی، مقاومت در برابر سفارش، مبارزه با فساد، شجاعت در برابر فشار و رعایت حق مخالف، صورت های سیاسی و اداری تقوا هستند. اگر دین فقط در مناسک و زبان رسمی حاضر باشد اما نتواند قدرت را به عدالت و خدمت مقید کند، نسبت مورد نظر این پیام ها محقق نشده است. آزمون دولت دینی، نه کثرت ارجاعات مذهبی، بلکه نزدیک شدن زندگی عمومی به حق، عدالت، اعتماد و کرامت است.

فرجام سخن

دولت برآمده از این پیام‌ها نه الگوی «دولت ضعیف، جامعه قوی» است و نه الگوی «دولت قوی، جامعه ضعیف». صورت نخست توان اقدام جمعی، عدالت و پیشرفت را از جامعه دریغ می‌کند و صورت دوم سرچشمه مشروعیت، دانش، اعتماد و پویایی دولت را می‌خشکاند. هدف دولت در نگاه رهبران انقلاب اسلامی «جامعه قوی و دولت قوی» است. جامعه‌ای برخوردار از حق، آگاهی، سازمان‌یافتگی، امکان نقد، مشارکت و توان تولید و دولتی برخوردار از قانون، کارآمدی، استقلال، قدرت حل مسئله و ظرفیت صیانت از حقوق. نسبت مطلوب این دو، بازی با حاصل جمع صفر نیست. هرچه دولت عادلانه‌تر و پاسخ‌گوتر عمل کند، جامعه توانمندتر می‌شود و هرچه جامعه فعال‌تر، منسجم‌تر و آگاه‌تر باشد، دولت از اطلاعات، اعتماد و نیروی بیشتری برای انجام وظایف خود برخوردار خواهد شد.

در یک عبارت، طرح حکومت در آرای رهبر جدید را شاید بتوان اقتدار خدمتگزار در کنار مشارکت مسئولانه نامید. اقتدار برای آن است که قانون اجرا شود، حق بی‌پناه نماند، اقتصاد از تلاطم رها گردد و کشور بتواند آینده خود را مستقلانه بسازد و مشارکت برای آن است که قدرت از جامعه جدا نشود، خطاها دیده شود، ظرفیت‌ها به میدان بیاید و وحدت از دل عدالت و رضایت عمومی شکل گیرد. «ایران هرچه قوی‌تر» هم پروژه تقویت حکومت است و هم آرمان توانمندسازی جامعه است، پروژه هم‌زمان ساختن دولتی قوی و جامعه‌ای قوی است.



صدور سه پیام راهبردی و بنیادین از سوی رهبر جدید نظام اسلامی در باره مجلس، قوه قضاییه و دولت، همگی متضمن یک مانیفست حکمرانی، طرح‌واره نظری قدرت و ترسیم نقشه راه کلان اداره کشور در عصر جنگ و پساجنگ و دوره گذار از بحران‌های سخت و سهمگین ژئوپلیتیک است.

در چنین مختصات ژئوپلیتیک و تاریخی، دال مرکزی گفتار رهبری جدید، معطوف به تثبیت و بازسازی اقتدار، بازیابی انسجام، بازسازی ساختاری و تدوین مجدد رابطه ارکان قدرت بایکدیگر و با توده‌های مردم است. ایده حکومت در این سه پیام را می‌توان «حکومت هم‌افزای مردم‌پایه، خدمتگزار، قانون‌مدار و عدالت‌گستر» نامید.

مرکز
مطالعات
راهبردی
تسنیم

